

جنبش‌های اسلامی – سیاسی معاصر

(با تکیه بر نهضت انقلاب اسلامی)

نویسندگان:

احمد رضا بردبار – پویش پراشی

انتشارات آرمان رشد

فهرست

آغاز سخن

فصل یکم: کلیات

مقدمه

شناخت مفاهیم

جنبش اجتماعی

جنبش اسلامی

جنبش شیعی

اسلام گرایی

پان اسلامیسم

پان عربیسم

سلفی گری

نقل‌گرایی

وهابیت

بنیادگرایی

احیاگری

دارالاسلام و دارالکفر (دارالحرب)

جهاد

جمع‌بندی فصل

فصل دوم: پیشینه شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی

(از آغاز تا کنون)

مقدمه

جریان‌های اسلامی نوپا (از اعراب پیش از

آیین اسلام تا خلافت خلفای راشدین)

جامعه عرب، پیش از آیین اسلام

جامعه عرب در زمان پیامبر اسلام

نهاد دولت، نخستین گام اختلاف

دو جریان مخالف

قریشیان

یهودیان

جامعه عرب، پس از پیامبر اسلام (از

درگذشت پیامبر اسلام تا خلافت خلفای

راشدین)

ماجرای سقیفه

گروه خوارج

گروه مرجئه

جهان اسلام در دوران خلافت امویان و

عباسیان

امویان، خلافتی شبه پادشاهی

رخ داد عاشورا

رخ داد حره

عباسیان، خلافتی چندقوم گرا

جریان‌های اسلامی دوران دو خلافت

قیام خوارج

قیام زنگیان

قیام زیدیان

قیام اسماعیلیان

قیام مختار

قیام توابین

جهان اسلام در دوران امپراتوری‌های مغول و

عثمانی

مغول‌ها و اتحاد ضداسلامی

عثمانی و تجدید حیات اسلامی

دو حکومت دیگر در سرزمین اسلام

صفویان (خیز دولت‌سازی شیعی)

گورکانیان (تیموریان هندی)

جریان‌های اسلامی دوران دو امپراتوری

(شیعیان و برپایی دولت)

جنبش فاطمیان

جنبش آل بویه

جنبش سربداران

جهان اسلام در برابر غرب مدرن

جهان اسلام و سیطره جهان غرب

جریان‌های اسلامی در دوران مدرن (بلوغ

شیعیسم)

نهضت مشروطه کشور ایران

انقلاب سال ۱۹۲۰ کشور عراق

قیام مسجد گوهرشاد شهر مشهد

جنبش اسلامی کشور نیجریه

جنبش بیداری اسلامی

جمع‌بندی فصل

فصل سوم: جنبش‌های اسلامی - سیاسی افراطی ()
مطالعه موردی: گروه‌های طالبان، القاعده، داعش (اعش)

مقدمه

نظریه سلفی‌گری، ریشه جریان افراط‌گرایی
اسلامی

خاستگاه نظریه سلفی‌گری

تأثیر اندیشه ابن تیمیّه بر محمد عبدالوهاب و
شکل‌گیری جریان وهابیت

سیاست انگلیسی و شکل‌گیری کشور عربستان
وهابی

نسبت آیین اسلام با جریان سلفی‌گری

جریان افراط‌گرایی اسلامی (گروه طالبان)

ریشه‌های شکل‌گیری گروه طالبان

مبانی قدرت، ساختار تشکیلاتی و منابع مالی

گروه طالبان

گروه طالبان و دیگر بازیگران

دوران افول گروه طالبان

جریان افراط‌گرایی اسلامی (گروه القاعده)

ریشه‌های شکل‌گیری گروه القاعده

مبانی قدرت، ساختار تشکیلاتی و منابع مالی

گروه القاعده

سازمان القاعده و اندیشه حکومت و جامعه

اسلامی

دوران تکوین، تثبیت و جهانی‌شدن سازمان

القاعده

سازمان القاعده و دیگر بازیگران

دوران افول سازمان القاعده

جریان افراط گرایی اسلامی (گروه داعش)

ریشه های شکل گیری گروه داعش

مبانی قدرت، ساختار تشکیلاتی و منابع مالی

گروه داعش

گروه داعش، اندیشه حکومت اسلامی،

سودای خلافت جهانی

گروه داعش و دیگر بازیگران

نقش کشور جمهوری اسلامی ایران در افول

گروه داعش

وجه تمایز گروه داعش از دو گروه طالبان و

القاعده

مقایسه تطبیقی جنبش اسلامی افراطی و

نهضت انقلاب اسلامی

جمع‌بندی فصل

فصل چهارم: جنبش‌های اسلامی - سیاسی لیبرال

(مطالعه موردی: کشور جمهوری

ترکیه)

مقدمه

نظریه لیبرالیسم، دموکراسی و لیبرال

دموکراسی

خاستگاه نظریه لیبرال دموکراسی

مفهوم لیبرالیسم

مفهوم دموکراسی

آیین اسلام و نظریه دموکراسی

نسبت آیین اسلام و اندیشه دموکراسی

مقایسه دو گفتمان اسلام سیاسی و لیبرال

سکولار

کشور جمهوری ترکیه و گفتمان اسلام سیاسی

لیبرال

ریشه‌های نظریه لیبرالیسم در کشور جمهوری

ترکیه

جنبش اسلامی - سیاسی در کشور جمهوری

ترکیه (میراث سکولاریسم کمالیستی)

نظریه سکولاریسم و نهاد دین در آینده کشور

جمهوری ترکیه

مقایسه تطبیقی جنبش اسلامی لیبرال و نهضت

انقلاب اسلامی

جمع‌بندی فصل

فصل پنجم: جنبش‌های اسلامی - سیاسی نهضت
بنیاد

مقدمه

اسلام نهضت‌بنیاد، آغازی نو

خاستگاه نظریه نهضت‌بنیاد

گفتمان اسلام سیاسی و نهضت‌های اسلامی

جایگاه اندیشه اسلام سیاسی

نسبت نظام‌سازی سیاسی و آیین اسلام

شاخصه‌های نهضت انقلاب اسلامی

تأکید بر اصل خداآگاهی

توجه به مبانی راستین اسلامی

اصل ایمان و جامعیت هدف

تأکید بر مفهوم عقل به جای مفهوم طبقه

رهبری نهاد روحانیت

مفصل بندی و ایجاد زنجیره هم‌ارزی

جنبش نهضت بنیاد به مثابه الگو

جنبش‌های اسلامی - سیاسی نهضت بنیاد

(گروه‌های حزب الله و انصارالله)

جنبش حزب الله کشور لبنان

جنبش انصارالله کشور یمن

شرط لازم

جمع بندی فصل

فرجام سخن

آغاز سخن

جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر شاید بیش از هر موضوع دیگری در جهان اسلام و در دوران کنونی نیاز به بررسی و شناخت آکادمیک داشته باشد. اینکه جنبش‌های اسلامی در سال‌های گذشته به کانون اخبار و ملاحظات جهانی بدل گردیده است، نشان از اهمیت و نیز ابهام‌های ظاهری آن دارد. جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان به وقوع می‌پیوندند و همواره آحاد انسانی را با خود درگیر می‌کند، این درگیری گاه از سر

ترس و هراس بوده است و گاه از سر جذب در
آرمان‌های آن.

بر اساس این مهم، کتاب پیش رو، تلاش داشته
است تا با روشی علمی و دقیق به شناختی نو از
جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر دست یابد.

از این رو، در این کتاب جنبش‌های اسلامی -

سیاسی معاصر الگوسازی شده است و آن‌ها را در

قالب سه الگوی جنبش‌های اسلامی - سیاسی

افراطی (مدل گروه‌های طالبان، القاعده و

داعش)، جنبش‌های اسلامی - سیاسی لیبرال

(مدل کشور جمهوری ترکیه) و نیز جنبش‌های
اسلامی - سیاسی نهضت‌محور (مدل نهضت
اسلامی ایران) مورد بررسی و تحلیل قرار داده
است.

مطالب این کتاب با توجه به سرفصل‌های
آموزشی دانشگاهی تدوین گردیده است، تا در
کنار دیگر منابع و نوشته‌های مرجع در این حوزه،
درک و شناختی جامع‌تر برای دانشجویان و
علاقه‌مندان به این مباحث فراهم آورد. لازم به
یادآوری است، فصل نخست کتاب به بیان

کلیات موضع و نقشه راه پژوهش پرداخته است. مطالب فصل دوم کتاب به گونه‌ای تدوین گردیده است که عناوین سرفصل کارشناسی درس یادشده را به صورتی هرچند کوتاه، اما جامع، برای دانشجویان رشته علوم سیاسی و دیگر رشته‌های مرتبط پوشش دهد، از سوی دیگر، مباحث فصل‌های سوم، چهارم و پنجم با نگاهی نوین، روش‌مند و به دور از هرگونه جزم‌اندیشی بر اساس سرفصل کارشناسی ارشد درس مورد بحث نگاشته شده است.

فصل دوم کتاب، به بیان پیشینه شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی - سیاسی پرداخته است، در این فصل شرایط و اوضاع جامعه عرب پیش از ظهور آیین اسلام، در زمان ظهور آیین اسلام و پس از قوام آیین اسلام، بررسی گردیده است و زمینه‌های بروز جنبش‌های اسلامی - سیاسی در دوران کنونی مورد موشکافی قرار گرفته است. فصل سوم به بیان جنبش‌های اسلامی - سیاسی افراطی پرداخته است و این جنبش‌ها را در قالب سه مدل گروه‌های طالبان، القاعده و داعش

بررسی کرده است. در فصل چهارم، تحلیل جنبش‌های اسلامی - سیاسی لیبرال با بررسی مدل کشور جمهوری ترکیه پی گرفته شده است و نقاط ضعف و قوت آن به نمایش گذاشته شده است. فصل پنجم به بررسی جنبش‌های اسلامی - سیاسی نهضت‌محور پرداخته است و در آن، نهضت اسلامی ایران، به‌عنوان الگو مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین باید گفت، در پایان فصل‌های سوم و چهارم، مقایسه‌ای تطبیقی میان الگوهای یادشده با الگوی نهضت اسلامی ایران

انجام شده است تا روند تحلیل و بررسی به نیکی
پی گرفته شود.

سرانجام باید گفت، مطالب این کتاب با استفاده
از روش جامعه‌شناسی تاریخی مورد تحلیل و
بررسی قرار گرفته است و در هر فصل از سه
فصل الگوسازی شده، تلاش شده است تا یک
نظریه و یا یک گفتمان غالب، به‌عنوان
چهارچوب نظری فصل تنظیم شود، تا پژوهش و
مطالب نوشتار از قالب آکادمیک خارج نگردد و
در مسیر مورد نظر پی گرفته شود. امید است این

کتاب مورد پذیرش خوانندگان و دستداران
دانش قرار گیرد تا در شناخت مسائل حائز
اهمیت جهان کنونی، مانند مسأله آیین اسلام و
اسلام‌گرایی که هدف اصلی و مقصد نهایی
کتاب بوده است، نویسندگان به مراد خود نایل
گردند.

در پایان باید از تمامی اندیشمندان فرهیخته
انتشارات آرمان رشد، کمال قدردانی و سپاس را
به عمل آورد که زحمت چاپ و نشر این کتاب
را تقبل کردند. همچنین از همکار دانشجو،

جناب آقای مصطفی احسانی و همه کسانی که ما
را در راه نگارش این کتاب یاری گر بودند،
نهایت سپاس و تشکر به عمل می آید.

شهریور ماه سال ۱۳۹۸ خورشیدی

فصل یکم: کلیات

مقدمه

جنبش‌های اسلامی - سیاسی در دوران معاصر به بحثی طنین‌انداز در محافل دانشگاهی از یک سو و در میان توده مردم از سویی دیگر بدل گشته است. بحث‌هایی که از جنبش‌های اسلامی بیان می‌شود، چه در جهان اسلام و چه در جهان غیراسلام، گویی با واکنشی دوگانه همراه است، واکنشی که در پاره‌ای موارد با جاذبه و شکل‌گیری روحیه‌ای از تقویت اسلام‌خواهی، تا اسلام

هراسی و ترس از گسترش پدیده تروریسم را با خود به همراه داشته است.

شناخت جنبش‌های اسلامی - سیاسی و آگاهی به جهان‌بینی‌ها و روش‌هایی که این جریان‌ها برای پیروان و هم‌اندیشان خود ایراد می‌کنند، راه را برای گزینش واکنشی مناسب هموار خواهد ساخت. این پژوهش در پی آن است تا با بیانی علمی، روشی آکادمیک و به‌دور از هرگونه جانب‌داری، به تبیین منسجم و در عین حال، درخور اعتبار، از جنبش‌های اسلامی - سیاسی

معاصر دست یابد تا گامی هرچند کوچک در
راستای شناخت ژرف‌نگرانه این پدیده برداشته
شود.

یکی از عمده‌ترین رهیافت‌ها در تحلیل شرایط و
علل پیدایش جنبش‌های اسلامی - سیاسی
معاصر، رهیافت اجتماعی - سیاسی است. هرایر
دکمجیان^۱ در کتاب "جنبش‌های اسلامی در
جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)"،
در آغاز شرایطی را که عموماً منجر به ظهور

^۱. Hirayer Dekmajian

جماعت‌های بنیادگرای اسلامی می‌شود، معین کرده است، سپس عوامل شکل‌گیری آن‌ها را تبیین می‌کند.

هرایر دکمجیان بیان می‌دارد: «برای هرگونه بررسی جامع بنیادگرایی اسلامی معاصر، باید در مورد ریشه‌های روانی، معنوی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن و نیز محیطی که بسترگاه باورها و اعمال بنیادگرایانه است، پژوهش به عمل آورد.

الگوی تجربی - تاریخی در این مورد، رابطه علی و معلولی میان بحران‌های اجتماعی و پیدایش

جنبش‌های مذهبی انقلابی و یا تجدید حیات طلبانه
است که خواستار از بین بردن نظم رسمی موجود
و ساختن جامعه‌ای نوین بر پایه برنامه
ایدئولوژیک ویژه خود هستند. در نتیجه،
ایدئولوژی این جنبش‌ها هم جامع و هم غیرقابل
انعطاف و منعکس‌کننده پاسخ‌ها و عکس‌العمل
های رهبران فرهمند در قبال شرایط بحرانی
است».

هرایر دکم‌جیان دو شرط را برای قدرت‌یابی
معنوی، اجتماعی و سیاسی بنیادگرایان اسلامی

یاد آور می شود: نخست، ظهور رهبری فرهمند و دیگری جامعه‌ای گرفتار آشفتگی ژرف. هر ایر دکم‌جیان از محیط عربی - اسلامی با عنوان محیط بحران یاد می کند و باور دارد که جهان اسلام، بیش از دو قرن است که شاهد بحران‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و از همه مهم‌تر، بحران روحی بوده است.

نقطه اوج این بحران، سر بر آوردن ایدئولوژی پان ترکیسم در میان نهضت ترک‌های جوان و در پیش گرفتن سیاست ترکی سازی بود که هویت

جمعی عرب‌ها را تهدید می‌کرد. بیگانگی عرب
های مسلمان با ترک‌ها، در کنار نفوذ اروپاییان به
گسترش ناسیونالیسم عرب، کمک کرد. با از هم
پاشیدگی خلافت عثمانی، نخبگان ناسیونالیست
عرب، خود را در برابر دو وظیفه می‌دیدند:
نخست، رهایی از کنترل اروپا و کسب استقلال؛
و دوم، ارائه برنامه‌ای ایدئولوژیک برای استقرار
حکومتی قانونی. با برآورده شدن این دو خواسته،
بر شدت بحران افزوده شد، مشکلات اقتصادی و
اجتماعی ژرف‌تر گشت و این خود چنان‌که

کارل مارکس^۲، ماکس وبر^۳ و امیل دورکهایم^۴
گفته‌اند، بر پای‌بندی‌های دینی می‌افزود.

اگر جنبش‌های اسلامی - سیاسی در قالب
گفتمانی به نام اسلام سیاسی مورد تحلیل قرار
گیرد، مفاهیمی چون جنبش، پان‌اسلامیسم و یا
خود مفهوم اسلام سیاسی به‌عنوان مفاهیم برون
گفتمانی، و دال‌هایی مانند مفهوم سلف، جهاد،

^۲ . Karl Marx

^۳ . Max Weber

^۴ . Émile Durkheim

مجدد و... را می‌توان از دال‌های اصلی و یا
واژگان نهایی این جنبش‌ها دانست که تقریباً
تمامی این جنبش‌ها از آن‌ها برای معنایابی و
هویت‌بخشی به خود استفاده می‌کنند.

نکته‌ای دیگر که در شیوه روبه‌رو شدن با این
مفاهیم باید مورد تأکید قرار گیرد، بهره‌گیری از
روشی غیرذات‌باورانه است، اگر بتوان به دو
روش کلی ذات‌باورانه و غیرذات‌باورانه برای
تعریف مفاهیم باور داشت، تعریف ذات‌باورانه بر
گونه‌ای نگاه مطلق‌انگار به مفاهیم استوار است.

این مهم در حالی است که در روش غیرذات باورانه، چیرگی گونه‌ای نگاه نسبی گرا به تعریف مفاهیم آشکار است. در چنین برداشتی که امکان گونه‌ای نگاه انضمامی و عینیت یافته به تعبیر انتزاعی را فراهم می‌سازد، فضای مناسب‌تری جهت درک مفاهیمی زمینه‌گرا مانند پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... فراهم می‌گردد.

اهداف: با توجه به مطالب بیان شده، هدف اساسی این پژوهش آن است تا با تحلیلی ژرف

نگرانه به بررسی دقیق و علمی سه جریان اصلی جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر پردازد، برای دستیابی به این مهم، تلاش بر آن است تا به دور از هر نگاه جانبدارانه‌ای، تحقیق، تحلیل و تبیین مباحث طرح شده انجام گردد.

جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر بر پایه مطالعه تاریخی، به سه دسته جنبش‌های افراطی، جنبش‌های لیبرال و جنبش‌های نهضت‌بنیاد تقسیم‌بندی شده است. گزینش این تقسیم‌بندی به جهت رعایت انصاف صورت گرفته است تا

تفکیکی بنیادین در جنبش‌های اسلامی - سیاسی
با وجود پایه‌ای یکسان به نام «اسلام» و «اسلام
خواهی» در آن به ظرافت انجام شود. از این
جهت که جنبش‌های رادیکال (افراطی) که
شکلی از بازگشت کورکورانه به سنت‌های
پیشین را دارند با جنبش‌های لیبرال که تا حد
زیادی از مبانی و سرچشمه‌های اسلامی فاصله
گرفته‌اند و نیز جنبش‌های نهضت‌محور که در
تلاش برای ایجاد حکومتی شایسته جهت ایجاد
جهانی متعالی هستند از یکدیگر بازشناخته شوند

و همواره مرز بین این جنبش‌ها از یکدیگر جدا
باشد.

در واقع یکی از مهم‌ترین اهداف این نوشتار، بیان
جایگاه جنبش‌های شیعی در تاریخ بلندمدت
آیین اسلام است. جنبش‌های شیعی با توجه به
ایدئولوژی ویژه‌ای که از آن پیروی می‌کنند، در
سال‌های آتی و در نهضت مشروطه انقلاب
اسلامی ایران نمودی پررنگ‌تر یافت، سرانجام
این جنبش‌های اسلامی با رخداد انقلاب اسلامی
در کشور ایران فعلیت و عینیت بسیار بیشتری

یافت و مسیر تغییر را برای آینده جهان اسلام
هموارتر کرد.

بیان مسأله: مسأله اساسی که کتاب در فصل

دوم بیان می‌دارد، چگونگی و چرایی شکل‌گیری

جنبش‌های اسلامی - سیاسی بر اساس روش

جامعه‌شناسی تاریخی و استفاده از داده‌های معتبر

است. اینکه جنبش‌های اسلامی - سیاسی در چه

فضا و به اصطلاح (پیش‌زمینه‌ای) شکل گرفته‌اند

و اساساً در پی پاسخ‌گویی به چه پرسش‌هایی

هستند، همه در قالب این فصل از پژوهش جای

می‌گیرد. از این رو، مطالب این فصل به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر ریشه در چه تحولات تاریخی دارند؟ و خواستگاه جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر را باید در چه مطالبات تاریخی جست؟ در این باره باید بیان داشت، پرسش‌های جانبی دیگری نیز وجود دارد که در لابه‌لای مباحث پژوهش مطرح می‌گردد و پاسخ داده می‌شد.

با توجه به این پرسش‌ها، فرض پایه‌ای پژوهش از این قرار است؛ جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر در پی اختلافات و شقه‌شقه‌شدن‌های جامعه اسلامی پس از چشم از جهان فرو بستن بنیان‌گذار آیین اسلام، آرام آرام به منصفه ظهور رسیده است و تا زمان کنونی، به تدریج مسیر دگرگونی خود را طی کرده است. همچنین، فرض پسین دیگری که برای این پژوهش مطرح می‌شود این است که تمامی جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر در پی رهایی از وضع موجود و

تغییر الگوهای پیش‌رو در زندگی اجتماعی افراد
هستند و به گونه‌ای بسیار جدی با دو مسأله
گریبان‌گیر بوده‌اند: **قدرت و معنا**.

اینکه جنبش‌های اسلامی، از هر گونه آن،
درصدد کسب قدرت بوده‌اند و خواهان برقراری
نظام سیاسی آرمانی خود هستند، بدیهی می‌نماید؛
اما در بیانی شیواتر باید گفت که در کنار این
میل رسیدن به قدرت، معنایی که هر جنبش از
دید خود درست می‌پندارد، نهفته است، معنایی
که به گونه‌ای، جهان‌بینی جریان‌های گوناگون

اسلامی را از یکدیگر و از اندیشه‌های رقیب، چه در مشرق زمین و چه در جهان غرب متمایز می‌سازد. برای نمونه، بدیهی است که جهان‌بینی جنبشی افراطی با جنبشی لیبرال و یا نهضت‌محور تفاوتی فاحش دارد و جنبش‌های نهضت‌محور، همواره تدبیری حقیقی‌تر را با خود همراه داشته است (مانند نهضت اسلامی ایران) که باید مورد موشکافی قرار بگیرد.

روش‌شناسی: کتاب کنونی با استفاده از روش

جامعه‌شناسی تاریخی^۵ به تحلیل داده‌های به‌دست

آمده می‌پردازد. روش جامعه‌شناسی تاریخی

متأثر از همگرایی دو حوزه «تاریخ» و «جامعه

شناسی»، پس از تحولات روش‌شناسی دوران

رنسانس^۶ در علوم اجتماعی است که فرایند

دوری و نزدیکی آن طی قرن‌های هجدهم و

نوزدهم میلادی سرانجام به ضرورت تقابل

^۵. Historical Sociology

^۶. Renaissance

منطقی، همکاری و نزدیکی این دو حوزه در قرن
بیستم میلادی منجر گشت و پس از تجربه‌های
فراوان پژوهش‌گران در این سده به گونه‌های
التقاط‌گرایی دو رشته و احیای روش جامعه
شناسی تاریخی در دهه ۱۹۸۰ میلادی به‌عنوان
مطالعات بین‌رشته‌ای انجامید (پناهی خیاوی، بی
تا: ۱۱).

اگوست کنت^۷ فرانسوی، نخستین کسی بود که
دانش جامعه‌شناسی را به‌عنوان علمی مستقل

^۷ . Auguste Comte

اعلام کرد و آن را علم مطالعه اثباتی مجموعه
قوانین اساسی و ویژه پدیده‌های اجتماعی دانست
و بر این باور بود که در بررسی امور اجتماعی،
به جای خیال‌پردازی و فلسفه‌بافی، می‌بایست به
روش علمی، یعنی همان روش علوم طبیعی که
مبتنی بر مشاهده، آزمایش و تجربه است توسل
جست. در واقع، در اندیشه سیاسی اگوست
کنت، فلسفه اثباتی تنها بنیاد استوار را برای سبک
تجدید سازمان اجتماعی عرضه می‌دارد که باید
جایگزین آن اوضاع و احوال بحرانی شود که در

آن متمدن‌ترین ملت‌ها زندگی می‌کنند (لنکستر،
۱۳۶۲: ۸۱).

روش جامعه‌شناسی تاریخی یکی از شاخه‌های
بسیار مهم دانش جامعه‌شناسی است که به سرعت
در حال گسترش و پیچیدگی است، در واقع، در
این روش پژوهش، پژوهشگران به شناخت
موضوعات تاریخی، داده‌ها، کنش‌ها، ساختارها،
ایده‌ها و رخ‌دادها گرایش دارند؛ موضوعاتی که
بیشتر گویای وجوه اشتراک رفتار انسانی در

گذشته باشد در این روش پژوهش مورد بررسی
قرار می‌گیرد (زکی، ۱۳۷۸: ۱۸).

در شناخت روش جامعه‌شناسی تاریخی باید به
تمایز حوزه «تاریخ» از حوزه «جامعه‌شناسی» دقت
نظر داشت. در بیانی کلی و موجز می‌توان گفت
که تأکید دانش جامعه‌شناسی بر مفاهیم و شیوه
هایی چون امر نوعی، تعمیم، قوانین کلی و...
جهت تبیین و توضیح یک رخداد است؛
در حالی که دانش جامعه‌شناسی برای توضیح یک
رخداد با پیروی از پاره‌ای الگوها، با مفاهیم، سنخ

ها، اصول و... سر و کار دارد. به عبارت دیگر، پژوهش تاریخی بر خود رخداد و روی داد متمرکز است. این تمایز را گئورگ گادامر^۸ به شیوه‌ای دقیق نشان می‌دهد. از دیدگاه گئورگ گادامر، آگاهی تاریخی، علاقه‌مند به شناخت این نیست که چگونه تمامی انسان‌ها و یا دولت‌ها گسترش پیدا کرده‌اند، بلکه برعکس، علاقه‌مند به این شناخت است که چرا این انسان‌ها و یا دولت‌ها آنچه هستند، هستند و این که چگونه این

^۸. Hans - Georg Gadamer

ویژگی‌ها به طور ویژه در این جا می‌تواند رخ

دهد^۹ (سام دلیری، ۱۳۹۲: ۹).

نکته دیگری که در پژوهش تاریخی باید مورد

توجه قرار گیرد، رهیافت تفهمی است. از دیدگاه

^۹ . همچنین باید بیان داشت، ماکس وبر تفاوت دانش تاریخ و

جامعه‌شناسی را در این می‌داند که دانش تاریخ منحصرأً به تبیین

رویدادهای منفرد می‌پردازد؛ درحالی‌که دانش جامعه‌شناسی علاوه

بر رعایت فردیت روی داده‌ها، به سبب هدف پژوهش خود، تلاش

می‌کند مشابهت‌های احتمالی میان آن‌ها را نیز پیدا کند (فرونده،

۱۳۸۳: ۱۳۳).

ویلهم دیلتای^{۱۰}، در رهیافت تفهیمی، هدف از پژوهش اجتماعی، بازسازی معنا و محتوای رفتار و پدیده‌های اجتماعی است. هر پدیده‌ای در قلمرو حیات انسانی تجلی و نمود جان و روان است که از راه معناکاوی قابل شناخت می‌گردد (Dilthey, ۱۹۶۱: ۱۶).

رابطه دیگری که باید به آن اشاره شود، ارتباط تاریخ و پدیدارشناسی است. اگر از دیدگاهی پدیدارشناسانه به موضوع نگاه شود، باید گفت،

^{۱۰}. Wilhelm Dilthey